



اسناد به عنوان مهم‌ترین و اصیل‌ترین آثار باقی مانده از دوره‌های گذشته، اهمیت ویژه‌ای در مطالعات و پژوهش‌های تاریخی دارند. متأسفانه در ایران به دلایل متعدد، از جمله کشمکش‌ها، جنگ‌ها، عدم ثبات سیاسی، حوادث طبیعی و شاید نبود اندیشه درست بایگانی در برخی دوره‌ها، اسناد انگشت‌شماری به ویژه از هزاره اول دوره اسلامی برای ما باقی مانده است. بنابراین کشف و مطالعه هر سند و حتی پاره‌سند مربوط به این دوره از اهمیت فراوان برخوردار است. این مقاله بر آن است تا ضمن معرفی کامل و بررسی یک پاره‌سند دوره ایلخانی^۱، چند نکته از سندشناسی این دوره را تبیین و اصلاح نماید و در باب چگونگی تدوین و صدور اسناد دیوانی پرسش‌هایی را مطرح نماید.

بدیهی است مقایسه این پاره‌سند با نمونه‌های مشابه ما را در شناخت بهتر آن یاری خواهد کرد. برای تدوین این مقاله، علاوه بر اسناد فارسی مغولی و ایلخانی منتشر شده - که بسیار اندک است^۲ - از حدود هفتاد سند و پاره‌سند

بررسی یک پاره‌سند ایلخانی (مورخ ۷۲۶ ق)

عمادالدین شیخ‌الحکامی*

دانشگاه تهران، مؤسسه باستان‌شناسی

چکیده: در این مقاله ضمن معرفی، بازخوانی و بررسی یک پاره‌سند دوره ایلخانی، به تبیین و اصلاح برخی از ویژگی‌های سندشناسی این دوره پرداخته شده است. این پاره‌سند، کهن‌ترین سند سازمان اسناد و کتابخانه ملی به تاریخ ۷۲۶ قمری است که به شکل طومار است. این سند از صدر به اندازه یک بند افتادگی دارد. خط سند به رسم رایج این دوره، شکسته‌تعلیق است. بر روی سند، چهار مهر شامل دو آل‌تمغا (مهر قرمز) و دو قراتمغا (مهر سیاه) و در پشت سند شش مهر کوچک، ظاهراً همه به خط ایغوری، به شکل مربع، مستطیل و بیضی دیده می‌شود. این مهرها کهن‌ترین نمونه‌های مهرهای شخصی است و شاید حاکی از سنت متفاوت مراحل ثبت و ضبط اسناد در ناحیه فارس باشد.

از بررسی این نیم‌سند و دیگر اسناد این دوره، شیوه مهرگذاری در اسناد ایلخانی تبیین شده است. زدن آل‌تمغا بر سند یک سنت مغولی است. جایگاه مهر اصلی بر بخش تاریخ سند و سر بندهاست. مهرهای عمال دیوانی در تأیید سند در پشت آن آورده می‌شود. این پاره‌سند کهن‌ترین نمونه این کاربرد را نشان می‌دهد.

این سند در محلی به نام کوهک (ظاهراً در فارس) صادر شده و صادرکننده آن با توجه به قراین موجود امیر چوپان، امیرالامرای سلطان ابوسعید ایلخانی (حک. ۷۱۶-۷۳۶ ق) است. مضمون سند خارج دانستن یک روستا از املاک خاصه دولتی (اینجو) و اثبات ملکیت آن برای یک شخص است.

در این مقاله کوشش شده است تا با مقایسه این سند با اسناد هم‌دوره، خصوصاً اسناد متعلق به بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی، شکل کامل سند بازسازی گردد. در پایان نیز متن بازخوانی شده سندی دیگر از امیر چوپان ارائه گردیده است.

کلیدواژه: اسناد تاریخی؛ ایلخانان؛ سندشناسی؛ مهر؛ مهرگذاری؛ آل‌تمغا؛ قراتمغا؛ توثیق (توشیح)؛ بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی؛ خط ایغوری؛ سلطان ابوسعید؛ امیر چوپان؛ امیر تالش؛ کوهک فارس.

* پژوهشگر کتیبه و اسناد دوره اسلامی.

^۱ این سند را نگارنده پیش‌تر به اجمال معرفی کرده است. نک: عمادالدین شیخ‌الحکامی، «یادداشتی بر کهن‌ترین سند سازمان اسناد ملی»، گنجینه اسناد، س ۱۱ (زمستان ۱۳۸۰)، دفتر ۴: ۵-۴.

^۲ آنچه به فارسی منتشر شده، عبارت است از: علاءالدین آذری، «روایط مغولهای با دربار واتیکان»، بررسی‌های تاریخی، س ۴ (۱۳۴۸)، ش ۴: ۲۷۵-۲۸۸؛ [نامه گیوک‌خان به پاپ، مورخ ۶۴۴ ق]؛ ابوالعلاء سودآور، «نخستین فرمان فارسی ایلخانان»، ترجمه محسن جعفری‌مذهب، وقف، میراث جاویدان، س ۸ (بهار ۱۳۷۹)، ش ۲۹: ۳۳-۳۶؛ محمد قزوینی، «فرمان سلطان احمد جلاویه»، یادگار، س ۱ (۱۳۲۴)، ش ۴: ۲۵-۲۹. [این سند را بعدها نیز دکتر شیرین‌بیانی در تاریخ آل جلاویه (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۵) صص ۲۲۱-۲۲۰ و سرهنگ جهانگیر قائم‌قوامی در یکصد و پنجاه سند تاریخی (تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۴۸)، صص ۹-۱۶ منتشر کردند، اما در تمام موارد، غلط‌خوانی جمله پایانی سند «رب ا ختم» که به غلط «ابن احمد» خوانده شده، باعث انتساب نادرست سند شده است]؛ حسین نخجوانی، «فرمانی از فرامین دوره مغول»، نشریه دانشکده ادبیات تبریز، دوره پنجم (۱۳۳۲)، ش ۱: ۴۰-۴۷؛ گوتمردهرمان، «فرمان سلطان حسین جلاویه



تصویر ۱

منتشر نشده از مجموعه اسناد بقعه شیخ صفی الدین اردبیلی، موجود در موزه ملی ایران، که توسط نگارنده بررسی شده‌اند، استفاده شده است.

منشأ سند

این پاره‌سند کهن، در سال ۱۳۸۰ به وساطت دکتر محمد دبیرسیاقی، توسط خانم پروین حکمت، فرزند شادروان علی اصغر حکمت - از خاندان‌های اصیل فسایی الاصل - به همراه مجموعه‌ای از اسناد خانوادگی، به ویژه اسناد مربوط به مدرسه منصوریه شیراز، به سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران اهدا شده است و پس از آفت‌زدایی، اکنون به شماره ۲۵۰/اهدایی، در آن سازمان نگهداری می‌شود. این سند درست یک صدسال کهن‌تر از سند صادرشده از سوی بقعه شیخ ابواسحاق کازرونی، به تاریخ ۸۲۶ق می‌باشد، که پیشتر به عنوان کهن‌ترین سند سازمان اسناد و کتابخانه ملی شناخته می‌شد.

ویژگی‌های سند

اندازه سند

این سند، طوماری است به طول ۶۹/۵ و عرض ۲۲/۷ س.م. در دوشقه (بند) که اندازه شقه بالا، ۵۱ و شقه پایین ۱۸ س.م. است. این سند ناقص است و از صدر آن بیش از یک بند افتادگی دارد.

خطوط سند و فاصله‌گذاری‌ها

خط سند به رسم رایج اسناد دیوانی این دوره شکسته‌تعلیق است. عرض سطرهای کتابت شده، ۱۷ س.م. و فاصله میان سطرها، ۱۰ س.م. و فاصله لبه کاغذ تا شروع سطر، ۶ س.م. می‌باشد. این فاصله در سطرهای اول و سوم متفاوت به نظر می‌آید اما در واقع، واژه‌های «محترم» و «مقدس» (در این سند واژه‌های محترم یرلیغ و آل تمغا) در حاشیه نوشته شده و جای این کلمات در متن، سفید گذاشته شده است. میان سطر چهارم و ششم، زمانی پس از کتابت متن سند، به سبک رایج آن دوره و در هنگام مهر کردن، به خطی دیگر، دو سطر به عنوان تویق/تعلیق و با مضمون تأکید بر متن سند، توشیح شده است. سطر آخر سند که در برگزیده تاریخ سند و محل صدور آن است در هنگام مهر کردن سند به خطی دیگر نوشته شده است.

→ به تاریخ ۷۸۰ق، ترجمه علی عبداللهی، وقف، میراث جاویدان، س ۸ (بهار ۱۳۷۹)، ش ۲۹: ۱۱۵-۱۱۲؛ همو، «اسناد دیوانی فارسی در دوره مغولان، فرمانهای امیران و وزیران»، ترجمه فرانک بحرالعلومی، وقف، میراث جاویدان، س ۹ (بهار و تابستان ۱۳۸۰)، ش ۳۳-۳۴: ۱۶۵-۱۷۵.



خطوط مهرها

روی سند چهار مهر وجود دارد: دو آل تمغا (مهر قرمز) به خط پاگزا یا عربی و دو قراتمغا (مهر سیاه) یکی با الفبای عربی و دیگری احتمالاً به خط ایغوری است. در سطر وسط آل تمغای زیرین پیش از شروع تاریخ سند، مهر کوچک دیگری زده شده است. خطوط مهرهای پشت سند نیز همه ایغوری است.

کاغذ سند

متن سند بر کاغذ نرم نخودی رنگ کتابت شده است. این کاغذ از حیث جنس، شبیه به کاغذ اسنادی از مجموعه بقعه شیخ صفی است که در بغداد نوشته شده‌اند.

مضمون سند

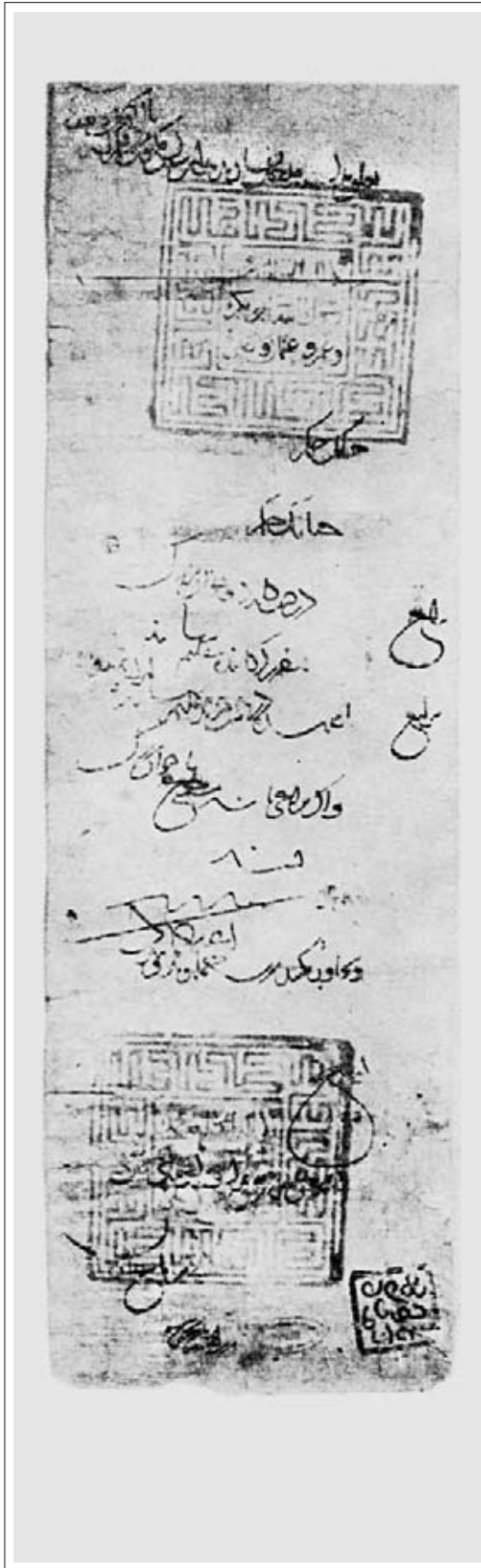
موضوع سند، خارج دانستن یک روستا از املاک خاصه دولتی (اینجو) و اثبات ملکیت آن برای کسی است که نام او در بخش موجود سند نیامده است.

متن سند*

۱. یرلیغ و آل تمغا [ی] دیوان اعلی بدو تعلق دا [رد]. و داخل اینجوی آن جا نیست و مفروز شده است.
۲. بدان سبب، این مکتوب در قلم آمد تا چنان که حکم
۳. یرلیغ و آل تمغا [ی] دیوان اعلی، نافذ و ناطق شده به تقدیم رسانند؛ برقرار از دیوان اینجو مفروز شناسند.
۴. و حوالتی نکنند و برات نویسند و به زواید و عوارض و اخراجات زحمت ندهند و چون این دیه داخل [اینجو] نشده باشد،
۵. و به دفاتر دیوان به اینجو نیز مُثبت نشده، مطلقاً مدخل نسازند و قاتمیشی ننمایند.
۶. برین جمله روند و اعتماد نمایند. کتبه فی الثانی و العشرین من ربیع الآخر لسنة ست و عشرين و سبع مائة.
۷. به مقام کوهک
۸. رب اختم بالخیر
[میان سطر ۴ و ۶]:
اگر نزاعی باشد، رجوع با دیوان بزرگ کنند.

انتساب سند

نام سلطان و وزیر، امیرالامرا، امیر یا امیران صادرکننده سند که معمولاً نامشان در صدر اسناد نوشته می‌شده، به علت افتادگی بخش اول سند نامشخص است. اما با توجه به دلایل زیر



تصویر ۲



می‌توان صادرکننده سند را به طور قطعی شناسایی کرد. تاریخ سند یعنی سال ۷۲۶ ق مصادف با حکومت سلطان ابوسعید (حک. ۷۱۶ تا ۷۳۶) است. از سوی دیگر، وجود دو مهر شناخته شده از امیرچوپان، امیرالامرایی (در سندش ۴۴۹ موزه ملی و سند معرفی شده توسط پاپازیان^۳) شکی برای انتساب این سند به او باقی نمی‌گذارد. به ویژه با توجه به این نکته که استفاده از آل تمغا عموماً تحت نام «سلطان» است.^۴ «به» مهر و مهرگذاری در دوره ایلخانی» در همین مقاله).

محل صدور سند

درباره محل صدور سند، دو نکته را باید یادآور شد. نخست آن که بسیاری از اسناد ایلخانی به خاطر ملازمت دستگاه دیوانی با اردوی سلطان همیشه در سفر، در مناطق مختلف صادر شده است. و نام‌های ذکر شده، دلیلی بر وجود مرکزیت و مدنیت آن منطقه در زمان صدور سند نیست. دیگر آن که نام‌های جغرافیایی برگرفته از یک ویژگی طبیعی ممکن است در مناطق مختلف وجود داشته باشد. کوهک به معنی کوه کوچک از این جمله است. مناطقی که هنوز هم به همین نام خوانده می‌شوند، عبارت‌اند از:

۱. در بلوک رامجرد فارس، چهار فرسخ میانه جنوب و مشرق جشنیان.
 ۲. در بلوک کربال فارس، پنج فرسخ کمتر میانه شمال و مغرب گاوغان.^۵
 ۳. از دهستان‌های چارگانه بخش مرکزی شهرستان سراوان.
 ۴. منطقه‌ای به این نام در سمرقند.
- و نمونه‌هایی از ترکیب این کلمه با کلمات دیگر چون: راه کوهک و تل کوهک و دوکوهه و...

از این میان، دو مورد اول که در فارس واقع شده‌اند، از احتمال بیشتری برخوردارند. با توجه به وجود این سند در میان اسناد خانوادگی شادروان علی اصغر حکمت [فسایی] و احتمال تعلق آل تمغای دیگر به امیر تالش، فرزند امیر چوپان، این سند باید در یکی از دو کوهک یادشده در فارس صادر شده باشد.

توقیع (تعلیقه / توشیح)

در نگاه اول، فاصله سطرهای پایانی سند فشرده و نزدیک به هم به نظر می‌رسد. اما با دقت در نوع خط و عبارات می‌توان دریافت که در واقع در میان سطرهای ۴ و ۶، بعداً دو سطر به متن سند افزوده شده است. ظاهراً این جملات در هنگام تنفیذ و مهرگذاری سند، از زبان صادرکننده سند و یا به خط او به سند افزوده شده است. این نکته از قدیم در سنت دیوانی ایرانی رایج بوده است.^۶ در میان اسناد این دوره نیز می‌توان نمونه‌های مشابهی را یافت که یکی دو سطر در پایان سند و میان دو سه سطر پایانی افزوده شده است، مانند: سندهای مورخ ۷۲۱ و ۷۳۰ ق که پاپازیان آنها را معرفی کرده و نیز سندهای مورخ ۷۳۳ ق (ش ۴۵۳ موزه ملی)، ۷۳۴ ق (ش ۴۵۴ موزه ملی)، [۱۰۷ - ۸] ق (ش ۵۶ موزه ملی) و ۸۱۶ ق (ش ۵۰۵ موزه ملی).

مشخصات و متن مهرها

روی سند چهار مهر دیده می‌شود: دو مهر سرخ (آل تمغا) و دو مهر سیاه (قراتمغا):

الف - مهر سرخ که در حاشیه سمت راست پایین سند دیده می‌شود و در واقع مهر اصلی سند است که در کنار تاریخ سند قرار گرفته است.

متن عربی وسط مهر پایین، در سه سطر:

لااله الا الله محمد / رسول الله ابوبکر / وعمر و عثمان و علی .
این مهر با توجه به دو مورد مشابه از فرامین این دوره، یعنی سند مورخ ربع الاول سال ۷۲۱ ق (سندش ۴۴۹ موزه ملی) و نیز سند مورخ صفر ۷۲۱ ق^۷ از مجموعه ماتناداران بی‌شک متعلق به امیر چوپان^۸ است.

ب - مهر سرخی که بر محل سربند سند زده شده است (مهر بالا).

حاشیه آل تمغای الف به خط نسخ است و ابتدای متن از گوشه سمت راست شروع می‌شود:

لااله الا الله، محمد رسول الله. خیر الناس بعد رسول / الله، ابوبکر وعمر و عثمان و / علی [رحمه (یا رضی)] الله عليهم (یا عنهم) اجمعین.

³ H. D. Papazian, "Deux Nouveaux Iarlyks d'Ilkhans", in: *Banber Matenadarani* (1962), 6: 370-400.

^۴ از میان اسناد دیوانی دارای آل تمغا، تنها در یک نمونه از اسناد بقعه (یادداشتی دیوانی در تأیید استشهادهای به تاریخ ۶۰۰ ق) بدون ذکر نام سلطان از مهر قرمز استفاده شده است (سندش ۴۶۶ موزه ملی).

^۵ حسن حسینی فسایی، فارسنامه ناصری، به کوشش رستگار فسایی (تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۷)، ۲: ۱۳۴۵، ۱۴۵۷.

^۶ برای شواهد توقیع کردن فرمان‌ها و نامه‌ها در متون نک: جهانگیر قائم مقامی، مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی (تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۵۰)، صص ۱۶۹ - ۱۷۸. برای نمونه، از تاریخ بیهقی: «امیر توقیع کرد و زیر آن به خط خویش نوشت که خواجه فاضل - ادام الله تأئیده - بر این جوابها که به فرمان ما نبشتند، و به توقیع مؤکد گشت، اعتماد کند. نک: تاریخ بیهقی، تصحیح علی اکبر فیاض (تهران، ۱۳۲۴)، ص ۰۶۵۵. این کار ظاهراً در دوره‌های بعد به «تعلیقه» و «توشیح» تغییر نام داده است.

^۷ در مقاله پاپازیان، تاریخ سند به اشتباه ۷۳۱ ق خوانده شده است.

^۸ امیر چوپان پسر آق بوقا، امیرالامرایی اولجایتو و ابوسعید، مقتول به سال ۷۲۸ ق، به فرمان ابوسعید.



مهرهای پشت‌سند

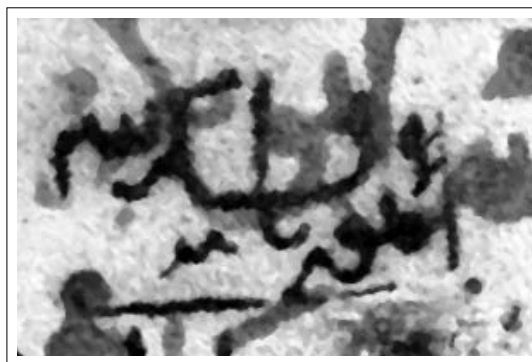
شش مهر کوچک*، ظاهرأ همه به خط ایغوری، به شکل‌های مربع، مستطیل و بیضی، تقریباً در یک ردیف و کنار هم دیده می‌شود. (مهر ۴ و ۵ شاید یکی باشد) متن چهار مهر، منفی (نگاتیو) و دو مهر مثبت است. این مهرها کهن‌ترین نمونه‌های مهرهای شخصی در اندازه‌های کوچک و متفاوت است. مراحل ثبت فرامین در دفاتر و تأییدیه‌های دیوانی اسناد در این دوره و حتی پیش از آن - به ویژه در اسناد مالی صادره از دیوان اعلی و یا تحت نام سلطان - روی سند و در میان سطر اول و دوم و یا میان دو سطر آخر سند نوشته می‌شده است. در برخی اسناد نیز در پشت سند یادداشت‌هایی به خط ایغوری دیده می‌شود. اما استفاده از مهرهای کوچک سیاه برای تأیید مراحل ثبت - بدون هیچ نوشته‌ای - تنها در این سند و یک نمونه دیگر، مربوط به سال ۷۳۴ق (سندش ۴۵۴ موزه ملی) دیده می‌شود. محل صدور نمونه اخیر، بغداد و از حاکمی به نام امیرخان است و در پشت سند، چهار مهر سیاه کوچک مربع و مثلث وجود دارد. تا حدود صد سال پس از تاریخ دو نمونه یادشده، هیچ نمونه مشابهی را سراغ نداریم. به همین دلیل، شاید این نمونه حاکی از سنت متفاوت گذراندن مراحل ثبت و ضبط در ناحیه فارس باشد.

در اینجا پرسشی را نیز می‌توان مطرح نمود و آن این‌که آیا مهرهای ایغوری پشت‌سند نشان از غیر ایرانی بودن عمال دیوانی دارد یا می‌توان آن‌را به حساب سنت مغولی استفاده از اثر مهر بر کاغذ گذارد و از سر تقلید یک پدیده تازه در دیوان دانست؟ برای اظهار نظر قطعی باید تا خوانده شدن خطوط ایغوری مهرها شکبیا بود.

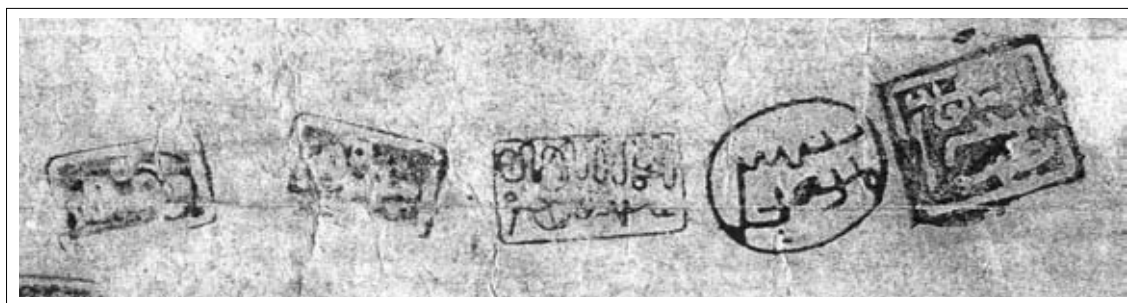
این مهر که هیچ نمونه‌ای دیگر از آن شناخته شده نیست، با احتمال نزدیک به یقین، متعلق به امیر تالش، فرزند امیر چوپان، است که بنابر ذکر تاریخ شیخ اویس در عهد ابوسعید، امیر فارس بوده است.^۹

ج - مهر سیاه (قراتمغا) گوشه سمت راست سند. این مهر سیاه، در دو نمونه یادشده در کنار آل‌تمغای امیر چوپان دیده می‌شود. نمونه‌ای دیگر از این مهر - با کمی تفاوت در اندازه - در کنار سندی کهن‌تر به خط ایغوری و در کنار آل‌تمغای دیگری آمده است. (سندش ۲ - ۴۶۳ موزه ملی) نوع خط مهر مشخص نیست، اما یک سطر از آن شوبان (= چوپان) خوانده شده^{۱۰} و دو کلمه دیگر نامشخص است.^{۱۱}

د - مهر کوچک* سیاه‌رنگی در وسط آل‌تمغای پایین، بالای سطر تاریخ سند، روی کلمه «فی» زده شده است. مهری چهارگوش به اندازه ۲×۱/۵ س.م. که با توجه به محل قرارگیری آن، یعنی دقیقاً ابتدای جمله تاریخ سند و نیز - اگر درست خوانده باشم - عبارت «الشکر لله، باتمور» که بخش اول آن از عبارتهای رایج اهل دیوان در تأیید سند است، شاید دلیلی بر تعلق این مهر به کاتب سند باشد. کاربرد این مهر در این مکان نیز از ویژگیهای منحصر به فرد این سند است.



تصویر ۳



تصویر ۴

^۹ اربع و عشرين و سبعة مائه [۷۲۴ق]... تالش پسر حسن امارت فارس و کرمان داشت. (ابوبکر قطبی اهری، تاریخ شیخ اویس، به اهتمام بن فن لون، لاهه ۱۳۷۳ق، ص ۱۵۲).

^{۱۰} Gerhard Dorfer, "Mongolica aus Ardabil", *Zentralasiatische studien* (1975), 9: 187-263.

^{۱۱} البته با احتمالی ضعیف و با کمی تسامح، شاید این عبارت را بتوان «چوپان سوزی» به اضافه دو علامت تزئینی و سه دایره در ابتدای سطر اول - که در مهرهای تیموریان هم دیده می‌شود، خواند.



۲۳

۲۵

مهر و مهرگذاری در اسناد ایلخانی

زدن آل تمغا بر سند، بی شک یک سنت مغولی است که خود از فرهنگ چین گرفته شده است. کهن ترین نمونه کاربرد آن در نامه فارسی گیوک خان به پاپ (مورخ ۶۴۴ق)، با خط ایغوری غیرهندسی.^{۱۲} و آخرین نمونه آن با تغییر شکل - از مربع به دایره - از اخی جوق اشرفی به تاریخ ۷۵۹ق است.^{۱۳} هریک از مهرهای استفاده شده در اسناد این دوره، جایگاه ویژه‌ای در سند دارد. جایگاه مهر اصلی بر بخش تاریخ سند است. در صورتی که سند متشکل از بیش از یک شقه (بند) باشد، در محل اتصال هر بند نیز به صورت زیگزاکی مهر زده می‌شود. در میان نمونه‌های موجود، مهر اصلی سند از تاریخ ۷۵۵ق به بعد در بالای سند - و نه در کنار تاریخ سند - دیده می‌شود. اگرچه همچنان نمونه‌های بدون مهر و ادامه روش قبل هم استمرار دارد. در سندهای دارای آل تمغا، جایگاه مهر سیاه در حاشیه سمت راست آخرین سطر سند در کنار آل تمغاست. و تنها یک بار از آن استفاده می‌شود (مشابه سند حاضر). سندهایی که نام سلطان، آل تمغا و مهر سیاه را دارند، عبارت‌اند از: سندهای مورخ ۷۲۱ق ابوسعید، و مهر سیاه ایغوری (پاپازیان*)، ۷۰۴ق اولجایتو و قراتمغای قتلغ شاه (سند ش ۴۴۲ موزه ملی)، ۷۴۳ق سلطان سلیمان و قراتمغای فارسی به نام امیر چوپان*، و سندی به خط و قراتمغای ایغوری (سند ش ۴۶۳ موزه ملی).

علاوه بر موارد یادشده، در صورتی که در متن سند عدد رقمی به عنوان مقررری و غیره آمده باشد، در کنار عدد نیز مهر زده می‌شود. این کاربرد بیشتر متعلق به مهر طلایی (آلتون تمغا) است که اختصاص به اسناد مالی دارد و معمولاً از طرف دیوان اعلی صادر می‌شود و تحت نام سلطان و یا امیرالامرا؛ اما خود مهر حاوی نام سلطان است.

مهرهای عمال دیوانی در تأیید سند نیز در پشت لبه پایین سند (و در واقع پشت بخش تاریخ سند) زده می‌شده است. نمونه حاضر کهن ترین نمونه این کاربرد است. از سوی دیگر، کهن ترین نمونه استفاده از شکل‌های بیضی و مستطیل و از نمونه‌های کهن مهر نگاتیو نیز می‌باشد. این موارد بر اهمیت این سند افزوده است.^{۱۴}

اصطلاحات و واژه‌های خاص متن^{۱۵}

آل تمغا (مهر قرمز)، اخراجات (مالیات فوق العاده غیرمستمر و اتفاقی)، اینجو (زمینهای خالصه سلطنتی)، دفاتر دیوان (دفاتر ثبت املاک و اسناد)، دیوان اعلی و دیوان بزرگ (دیوان ناظر بر دیگر دیوان‌ها)، دیه (ده، روستا)، زواید (نوعی مالیات)، عوارض (نوعی مالیات)، قاتمیشی (درهم و مخلوط)، مفروز (جدا)، یرلیغ (فرمان مکتوب سلطان).

ترکیبات

اعتماد نمودن، برات نوشتن، بر این جمله رفتن (رفتن بر)، به تقدیم رساندن (= ارائه دادن)، تعلق داشتن به، حواله کردن، داخل بودن به، در قلم آمدن (نوشته شدن)، نافذ شدن حکم (تنفیذ، قابل اجرا) رجوع کردن با، زحمت دادن، قاتمیشی نمودن، مدخل ساختن، مثبت شدن، مفروز شدن (جدا شدن)، ناطق شدن حکم (تنفیذ کردن) بودن نزاع (وجود نزاع).

اضافه‌ها

حکم یرلیغ و آل تمغا، آل تمغای دیوان اعلی، دیوان بزرگ، دفاتر دیوان.

بازسازی سند

چنان که گفته شد بخشی از صدر سند افتادگی دارد. بخش موجود متشکل از دو بند است، بند بزرگ‌تر ۵۱ و بند کوچک‌تر ۱۸ س. م. است. به رسم رایج این دوره، حتماً در محل اتصال دو بند سند که اصطلاحاً «سربند» نامیده می‌شود، مهر زده می‌شده است. از سوی دیگر، بند اول از سندها عمده با یک بند کامل آغاز می‌شود. بنابراین، بند میانی سند کمی پایین تر از محل اتصال دو بند بریده شده است. در نتیجه، بخش افتاده سند با توجه به اندازه بزرگ‌ترین بند کاغذ در اسناد هم‌دوره، باید بین پنجاه تا شصت سانتی متر باشد. یعنی حدوداً معادل شش سطر. با مقایسه این سند با اسناد هم‌دوره، خصوصاً اسناد مربوط به سلطان ابوسعید می‌توان شکل سند کامل را بدین سان بازسازی کرد:

^{۱۲} برای عکس این سند نک: علاءالدین آذری، «روابط مغولها با دربار واتیکان»، بررسی‌های تاریخی، س ۴ (۱۳۴۸)، ش ۴: ۲۸۸.

^{۱۳} سند شماره ۴۷۷ اسناد بقعه شیخ صفی در موزه ملی.

^{۱۴} کهن ترین نمونه مهر نگاتیو متعلق به کوک تمغای (مهر آبی) امیر بایتمیش آغا به تاریخ ۶۹۱ق است. (سند ش ۴۹۳ موزه ملی).

^{۱۵} از جمله نکاتی که در مطالعه و بررسی اسناد لازم است به صورت جدی به آن توجه شود. استخراج واژگان، ترکیب‌ها، اضافه‌ها و اصطلاحات اسناد هر دوره است و تهیه فرهنگ واژگانی اسناد به منظور مطالعه و بررسی و درست خوانی اسناد.

۵. وجود دو آل تمغا در این سند دست کم وجود نام دو تن را در صدر سند ثابت می‌کند. این سند در میان اسناد شناخته شده ایلخانی، تنها سندی است که دارای دو آل تمغا در روی سند است. این نمونه‌ها به خوبی اثبات می‌کنند که آل تمغاهای اسناد، برخلاف تصور رایج، متعلق به وزیر و یا امرای برجسته است. سند دیگر مؤید این نکته، سند مورخ ۷۰۴ ق است که در رو و پشت سند، تحت نام سلطان اولجایتو دو آل تمغای متفاوت دیده می‌شود (سند ش ۴۴۲ موزه ملی).

بنابراین در این سند، زیر نام سلطان ابوسعید مسلماً در ابتدا، نام امیرالامرا همراه با واژه «سوزی» و در سطر بعد نام یک یا چند امیر با واژه «سوزیندین» آورده شده است.



تصویر ۵

۱. برخلاف سنت دیوانی پیش از مغول که طغرای سلطان (نام او) بالای عبارت ذکر نام خدا نوشته می‌شده^{۱۶}، در اسناد ایلخانی، ذکریه^{۱۷} در سمت راست بالای سند نوشته می‌شود. در اسناد و یا رونوشت‌های موجود از فرامین سلطان ابوسعید از تحمیدیه‌های «المستعان هو الله تعالی»، «التحیة لله تعالی»، «العزة لله تعالی» (دو مورد) و «هو الله الواحد القديم»، همراه با «بسم الله الرحمن الرحيم» استفاده شده است. در ذکریه‌های موجود از دیگر حاکمان این دوره، این عناوین نیز دیده می‌شود: «توکلت علی الله» (۷۰۴)، «بسم الله الرحمن الرحيم» (۷۰۴ - ۷۴۳)، «الله حسبی» (۷۳۳)، «هو الله الحی» (۷۵۰).

با توجه به نمونه‌های موجود، به درستی نمی‌دانیم که آیا در انتخاب تحمیدیه‌ها هدفی وجود داشته یا به صورت تصادفی و بر حسب سلیقه کاتب انتخاب می‌شده است.

۲. با فاصله کمی زیر تحمیدیه، نام سلطان به صورت «ابوسعید بهادرخان یرلیغندین» ذکر می‌شده است.

۳. پس از طغرا، معمولاً به اندازه دو سه سطر سفید مانده و سپس نام صادرکننده یا صادرکنندگان (وزیر، امیر و یا امرا) سند به صورت طغرای (احتمالاً پس از اتمام کتابت متن (سند) و حاوی ترکیب نام امیر و واژه «سوزی» (=سخن) یا نام دو یا چند امیر و واژه «سوزیندین» نوشته می‌شده است.

۴. بر اساس یک سنت مغولی، دو سطر اول هر سند به صورت نیم‌سطری و در سمت چپ سند نوشته می‌شده است.^{۱۸}

^{۱۶} دست‌کم به استناد دو سند اصیل پیش مغولی از اسناد بقعه در موزه ملی: سند ش ۴۳۹، مورخ ۶۳۰ ق و سند ش ۴۶۶، مورخ ۶۰۰ ق.

^{۱۷} مقصود عبارات قبل از خطبه و تحمیدیه، مانند بسم الله الرحمن الرحيم، العزة لله و... است و چون نامی برای آن نیافتیم، عجاله از کلمه «ذکریه» استفاده می‌شود.

^{۱۸} شادروان دکتر قائم مقامی، وجود نیم‌سطر را در بالای سند دلیلی برای تعیین نوع سند (نشان) ذکر کرده است که درست به نظر نمی‌رسد. (قائم مقامی، همان، ص ۸۲).

پیوست

ت ۶ (رونوشتی از یکی از یرلیغ‌های صادر شده از سوی سلطان ابوسعید در منطقه فارس^{۱۹})

العزة لله تعالى
بسم الله الرحمن الرحيم
ابوسعید بهادرخان یرلیغندین

فلان فلان فلان سوزیندین

صاحب دیوان سوزی

ملک الامرا، مفخر العرب والعجم، شمس الملة والدين - دام معظما -
و مرتضآن اعظمان، صاحبان معظمان، سيد فلان و سيد فلان
و صاحبان معظمان، خواجه فخرالدين عبدالکريم و خواجه
بهاءالدين احمد و نواب و متصرفان و تمغاچيان شیراز بدانند کی
و جوهی به حکم آلتون تمغای همایون از متوجهات سنة ثلثین و سبعمائه
خانی^{۱۹} در وجه مرسوم شهزاده جهان، کردجین - زیدت عظمتها -
و دایگان شهزاده جهان، ساتی بیگ - زیدت عظمتها - حواله رفته است.
در این وقت نواب ایشان نمودند کی از آن وجوه بعضی
رسانیده‌اند و بعضی تا غایت باقی مانده و رسانیده‌اند. اگر برین
موجب است، بی‌راه باشد.

بدان سبب [این] مکتوب در قلم آمد تا آن وجوه که به‌تازگی
تعلق دارد و به موجب حکم یرلیغ و آلتون تمغا به تمام و کمال
حوالت داده، جواب گویند و هیچ عذر و شلتاق تمسک نکنند.
و در رسانیدن اهمال نورزند. گفته شد که ملک‌الخواص،
امین‌الدين خواجه جوهر، وجوه بستانند و به کسان شهزاده جهان
تسليم دارد. و در این باب تقصیری نکند.

برین جمله روند و اعتماد نمایند.

کته فی التاریخ السابع عشرین شهر الله المبارک ربیع الاول سنة
ثلثین و سبعمائه.

بسلطانیه

حامداً و مصلياً و مسلماً مستغفراً و صحبه و سلم.

یا رب اختم بالخیر.^{۲۰}

^{۱۹} کلماتی که زیر آنها خط کشیده شده، در اصل نسخه، به خاطر احترام، خارج از متن نوشته شده‌اند.

^{۲۰} بخشی از متن این سند را دکتر قائم مقامی به نقل از دستورالکتاب (ارجاع ایشان نادرست است) در اثر خویش (ص ۱۰۴) نقل کرده است. متن حاضر از رساله صاحبیه، نسخه خطی کتابخانه ملک، ش ۳۶۹۷، نقل شده که تصویر آن را دوست ارجمندم، دکتر عثمان غازی اوزگوندلی، سال‌ها پیش در اختیارم نهاده بود.



تصویر ۶

